



خواهی

ستمیدگان به کنار،

در شرایط فعلی

باید هوشیارتر و

مسئولیت‌شناس‌تر

قدم برداشت

فرزندانشان پای صندوق رأی رفتند تا انتخابات بهتری داشته باشند و امیدوارند که این انتخابات همان انتخاب بهتر باشد.

همین که ما کنار هم زندگی می‌کنیم، در شلوغی مترو به هم تنه می‌زنیم، از گرانی و بیکاری، زبان مشترکی با هم در تاکسی پیدا می‌کنیم، با هم می‌خندیم و با هم گریه می‌کنیم. ما شاید راه درست را شناسیم، اصلاً چگونه می‌شود و چگونه باید مردمی که هر روز می‌بینیمشان را مجاب کنیم به نظر خودمان که متزلزل است؟ من تا به حال همیشه در انتخابات شرکت کرده‌ام اما خب بابت رأی

دادنم، سوتی هم نزنم. چون رأی سوت زدن نداشت، چون با روح آرمانخواه من دنیا دنیا فاصله داشت. همیشه تمام اندوه من از دوره تبلیغات انتخاباتی به ایجاد انتظارات خارق‌العاده بازمی‌گشت. به نظر من روزی پیروز انتخابات هستیم که باور داشته باشیم این مملکت هشتاد میلیون نفر جمعیت دارد و پروردگار متعال، یکتایی را به هر انسانی هدیه داده است. ما باید یاد بگیریم با تمام اختلافات نظری که داریم کنار هم زندگی کنیم. بازی سیاست مثل دربی پرسپولیس و استقلال است، جای جنگ همان وسط میدان است، بیرون از آن همه با هم رفیق هستیم. به هر فردی که رأی دادیم و خواهیم داد به بالا سرمان نگاه نکنیم، به کنارمان نگاه کنیم، به تمامی آدم‌هایی که از کنارمان می‌گذرند.

پدرشان را دوست دارند ولی قرار نیست هیچ کسی بت باشد برای کسی، حتی پدری برای فرزندش. صندوق رأی در زندان‌ها هم می‌رود، همه می‌توانند رأی دهند، اینکه حق مشارکت در انتخابات دارند، به معنای توجیه اقدام مجرمانه یا مجوزی برای بی‌قانونی نیست. حقوق قانونی هر فردی محفوظ است. واقعاً چرا عده‌ای از مشارکت مردم در انتخابات واهمه دارند و همه تلاش‌شان را برای کاهش مشارکت می‌کنند؟ شرکت یا عدم شرکت هر کسی در انتخابات، حق هر شهروند است.

من حتی چند شب پیش خواستم تست کنم که پیش بینی هوش مصنوعی در مورد رأی من در انتخابات به چه کسی است. به نظر من هر شهروند در یک جامعه دموکراتیک باید با خود بگوید چون من در جامعه زندگی می‌کنم و زندگی در یک جامعه دموکراتیک، یعنی باید رأی بدهم، پس رأی من در سرنوشت کشورم دخالت دارد، فقط باید این رأی با قدرت تفکر و علم بیشتری انتخاب شود. نکته جالبی که هست و خیلی‌ها به آن توجه نمی‌کنند این است که خیلی‌ها در انتخابات بر اساس ملاک‌های اسلام رأی نمی‌دهند اما بعداً خرابکاری اگر پیش بیاید، به گردن اسلام و جمهوری اسلامی می‌اندازند. من به خنده‌های پسران و تمام کودکان این سرزمین فکر می‌کنم. این انتخابات هم می‌گذرد، خیلی‌ها شاید مثل من به خاطر

خشک و خالی قانون کشور و انتخابات نباشد که اساس اجتماع فرو می‌پاشد و خب من این را نمی‌خواهم.

چون باز هم یاد گرفتیم که قانون بد، بهتر از بی‌قانونی است و من این درس را به عنوان اصلی غیرقابل تردید قبول دارم. برای اغلب آدم‌ها تغییر ترسناک است. ما معمولاً طرفدار حفظ وضع موجود هستیم و حاضریم تاوانی به سنگینی عمر را بپذیریم اما به سمت شرایط تازه قدم نمی‌زنیم. ما خیلی حس‌ها را در همین سی سالگی هم تجربه کرده‌ایم، از اوج امیدمان وقتی صندوق رأی را فتح کردیم تا اوج یأس وقتی در وسط جوانی به پشت سر و روبه‌رو نگاه کردیم که هر دو سمتش صحنه‌های گریه‌دار داشت، ولی تغییر رخ داده است. هنوز پرخاپیم اما باکی نیست، یاد می‌گیریم کنار هم. همچنان که یاد گرفتیم بیرون از مرزهایی که اسم‌مان را ایرانی کرده، رفیقی نداریم. پدر و مادر هر خانواده‌ای ممکن است اشتباهی مرتکب شوند، بچه‌ها باید به جای حرف زدن در مورد اعتراضشان، کار ناپسندی کنند؟ گفت و گو برای انسان‌ها ساخته شده است. من پای صندوق خواسته و انتخاب می‌ایستم.

قدرت نظام را دست کم نگیرید. من مخالف و معترض هر چیزی که باشم، مدافع صد درصد نظام و رهبری هستم. من هم عین فرزندی هستم که به پدرش انتقاد دارد. بچه‌ها

دلیلش واضح است، تغییری حس نمی‌کنند و دم انتخابات مختلف با چهار، پنج شعار و ایجاد شرایط هیجانی، مردم را پای صندوق می‌کشاند. می‌دانم یک سری هم تمایلشان به رأی ندادن، مخالفت با نظام نیست ولی چه می‌شود کرد وقتی تنها امکان موجود است که نشان دهند بشدت از این نوع کار کردن و رفتارهای ارباب‌رعیتی مسئولان نسبت به مردم شاکا و معترض هستند. بعضی هم می‌گویند رأی سفید داده‌اند یا نهایت دو یا سه نفر را که قطعاً می‌شناختند که درست کار می‌کنند را انتخاب کردند، اما تعداد سی تا پانزده نفرند. من به احدى نگفتم رأی نده، زیست هر کس به خودش مرتبط است.



قانونگذار حکیم است و مادر دانشکده‌های حقوق آموختیم که اگر مطلبی را در قانون متوجه نشدید اصل را بر حکمت قانونگذار بگذاریم. یعنی آنهایی که قانون را می‌نویسند به حدی از خردمندی بهره‌مند هستند که نباید تردیدی ایجاد شود یا نسبت ناروای بی‌خردی دهیم و گرنه سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و اگر سنگ روی سنگ بند نشود که نمی‌شود خشکه چید و اگر همین دیوار

رأی دادن نشانه زنده

بودن جامعه است

که ما موجود زنده

هستیم، حس داریم،

شعور و ادراک داریم و

از همه مهم‌تر قدرت

انتخاب داریم

